



با دست خود بزهکار نسازیم/ چگونه بزهکار پرورش می‌یابد؟

کودکان بیشتر از هر کسی نیازمند توجه و حمایت بوده و مادامی که حمایت از آنها دریغ نشود مشکلی نخواهد بود...

خبرگزاری مهر- کودکان بیشتر از هر کسی نیازمند توجه و حمایت بوده و مادامی که حمایت از آنها دریغ نشود مشکلی نخواهد بود، اما بی توجهی به نیازهای بر حق کودکان، ناخواسته آنها را در مسیر بزهکاری قرار می‌دهد. گرچه ادعا می‌شود که عوامل فیزیکی و بیولوژیکی می‌توانند به مرور زمان از رشد و توسعه جسمانی و ذهنی کودک بکاهند و او را از سایرین متمایز ساخته و زمینه بروز بزهکاری را در آنها بیشتر کند، ولی بیش از هر چیزی عوامل محیطی در بروز بزهکاری موثرتر است. می‌توان گفت که کودک گاهاً به دلیل برخورد اجتماع با او و ایجاد دگرگونی و مغایرت در ارزش‌ها و یا بروز تفاوت‌های اجتماعی میان کودک با سایر کودکان دست به بزهکاری می‌زند. یعنی وقتی کودک خود را با سایرین متفاوت یافته و احساس کند که جامعه (خانه و مدرسه یا اجتماع کلان) با او برخوردی خاص داشته و حق او را از دیگران اندک و یا نادیده انگاشته، آن زمان برای انتقام‌گیری و یا احقاق حق خود دست به عمل خلاف می‌زند تا خود را خالی کرده و یا صدمه‌ای به جامعه وارد نماید.

تابلوهایی که در اثر بروز تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و علمی و صنعتی در برابر کودک امروزی ترسیم شده او را از گذشته با سرعت گسسته است. تفاوت زمانی و فاصله زیاد میان تفکرات کودک با والدین خود زمینه را برای ایجاد شکاف میان روابط آنها فراهم آورده و کودک در بحث و ابراز عقیده احساس می‌کند که والدین با او با شدت و قهرآمیز برخورد کرده و توجهی به نیازها و یا احساسات و نظراتش ندارند. از این رو باور می‌کند که والدین محبت لازم را با او نداشته و کودک خود را موجودی اضافی و یا ناخواسته قلمداد می‌نماید و گرایش به دوستان و یا هم گروه‌ها و یا نهایتاً گریز از خانه و ایجاد فضایی آزادانه برای خود دست می‌زند و زمینه برای بزهکاری مهیا می‌شود.

عدم توجه والدین به نیازهای احساسی-روانی کودکان در دوران بلوغ و نادیده گرفتن تحولات سریع در آنان باعث می‌شود که کودک خود را در خانواده تنها و منفعل حس کند. نظراتش را غیرمنطقی، رفتارهایش را غیر اصولانه و افکار خود را غیر معقول می‌شمارد و تصور می‌کند که در آن محیط نمی‌تواند رشد کند. لذا به سوی گروه بازی و سرگردانی در میان دوستان روی آورده و گریز از خانه برایش تنها راه چاره جلوه می‌کند و بزهکاری از همین نقطه آغاز می‌شود.

عدم تناسخ رشد کودک با تأمین نیازهای او یکی دیگر از عوامل گرایش کودک به بزهکاری است. اعطای آزادی عمل زیاد به کودک و عدم کنترل رفتارها و خواسته‌های او از سوی والدین می‌تواند کودک را در ارتکاب به جرایم و بزهکاری مستعدتر سازد. برعکس این، کنترل شدید و عدم توجه به مقاطع مختلف سنی و نیازهای کودک و تحقیر و دور نگه داشتن کودک از سایرین و دوستان هم سن و سال نیز او را در برابر خانواده قرار داده و زمینه برای بزهکاری فراهم می‌آید.

فقدان امکانات معقول زندگی از نظر اقتصادی و مکنات مالی در خانواده و بی مسئولیتی والدین در تربیت کودک نیز می‌تواند او را به سرعت در مسیر بزهکاری قرار دهد. از طرفی اگر یکی از والدین خود مرتکب عمل خلافی بوده باشد و یا در معرض دید کودک عمل بزهکارانه و یا خلافی را مرتکب شود، باعث می‌شود که جرم و عمل به آن در نگاه کودک عادی تلقی شده و او نیز به جرم و بزهکاری روی آورد.

بزهکاری و تمایل به جرم در کودکان به عنوان بیماری تلقی می‌شود که راه درمان دارد. در بروز بزهکاری علاوه از عوامل ژنتیکی، فیزیکی و بیولوژیکی، فاکتورهای مهم دیگری که جنبه اجتماعی و محیطی دارد بیش از سایر عوامل دخالت دارند.

وجود الگوهای غلط در زندگی کودک و تبعیت از شخصیت‌های ناشایست می‌تواند کودک را در مسیر بزهکاری هدایت نماید.

هر ساله جامعه انسانی با خطر و بروز بحران بزهکاری مواجه است در چنین شرایطی چه باید کرد؟ بر اساس درک چنین مشکلی می‌بایست اقدامات شایسته‌ای انجام پذیرد؟ به طور مثال باید از سوی مدارس و انجمن‌های محلی تعداد کودکان بی سرپرست شناسایی شده و به مراکز پرورش و کنترل سپرده شوند و باید تمامی آنها شناخته شده و در مراکز بازپروری روحی و روانی و یا کانون‌های اصلاح تربیت شوند و زمینه تحصیلات آنان فراهم آمده و به جامعه بازگردانده شوند.

کودکانی که در محیط‌های ناشایست خانوادگی و در کنترل والدین بی مسئولیت و لاقید پرورش می‌یابند، باید از آنها جدا شده و به

همه‌انگي و همگامي والدين با رشد فكري و جمعي كودك و جوان باعث مي‌شود كه كودك هيچگاه خود را از والدين دور ندیده و رابطه صميمي ميان آنها فراهم آيد. با توجه به اين كه بد خلق‌ترين و معاندترين كودك نيز باز والدين خود را بهتر از هر كسي و صميمي‌تر و وفادارتر از هر فردي مي‌شمارد. لذا به جاي گرايش يافتن به گروه‌هاي دوستي و يا عوامل ديگر، ترجيحاً با والدين انس و الفت خواهد گرفت و زمينه براي بزهكاري و سوق يافتن به سوي اعمال خلاف سر خواهد شد. بالا بردن سطح دانش و تحصيلات در خانواده و مشغول داشتن كودك به الگوهاي برتر علمي و فني و متمايل نمودن آنان به فعاليت‌هاي ماندگار علمي اعم از ابداع آثار ادبي، تاريخي، علمي، فني و... مي‌تواند كودك را از گرداب مهيب بزهكاري و گمراهي نجات دهد.

در ميان جامعه انساني هيچ موجودي به ذات و فطرت گناهكار و مجرم آفريده نشده است و وجود ندارد. آنچه را كه ما به عنوان مجرم و يا بزهكار مي‌شناسيم قربانياني هستند كه به واسطه دخالت عوامل فزيكي، ژنتيكي، محيطي و رواني در مسير بزهكاري سقوط کرده‌اند. از اين رو اينان بيشتر از هر كسي نيازمند توجه و حمايت بوده و مادامي كه حمايت و نظارت از آنها را دريغ نموده‌ايم مشكلي جوامع انساني را مشغول خود نخواهد ساخت و گرنه با بي توجهي به نيازهاي برحق كودكانمان ناخواسته آنها را در بزهكاري پي‌تحرک تر ساخته و با دست خود به قربانگاه جرايم خواهيم فرستاد.